

۱۶۷۴۰۰۲

به نام خدا

هفت افسانه

نویسنده: زهرا عبدالستافی
تصویرگر: نسرين کریمی



سرشاسه: عبد المنافی، زهرا، ۱۳۵۱-
 عنوان و نام پدیدآور: هفت افسانه/نویسنده زهرا عبدالمنافی؛ تصویرگر نسرین کریمی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر مهاجر، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص.: مصور.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۱۹۹-۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی
 موضوع: Legends--Iran
 شناسه افزوده: کریمی، نسرین، ۱۳۷۰-، تصویرگر
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۷ ۶۲۳-۷ / PIR۳۹۹۳
 رده بندی دیویی: ۲۰۹۵۵/۳۹۸
 شماره کتابخانه ملی: ۵۶۲۳۳۳۱



هفت افسانه

نویسنده: عبد المنافی

تصویرگر: نسرین کریمی

طراح گرافیک: سارا کریمی

ویراستار: منیژه آقایی

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کارا چاپ: گلبلان پُرپ

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۱۹۹-۵

حق چاپ محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخر رازی، بن بست نیک، پلاک ۵

تلفن: ۶۶۴۱۰۰۳۶ و ۶۶۹۵۲۲۰۰ نمابر: ۶۶۹۵۲۱۹۹

فهرست

- سخن مولف ۷
- سیح و دیو سفید ۹
- قصه پل تلای ۲۱
- گوهر شب چراغ ۳۹
- راز نقاب فضا ۵۳
- مردی در قلعه ی دیوها ۶۷
- شاهزاده های گمشده و دختر شاه پریان ۷۹
- شاهزاده خانم و اصلان شمع فروش ۱۰۷

سخن مولف

دوست عزیز کتابی که پیش رو دارید مجموعه‌ای از افسانه‌های قدیمی ایرانی است با خواندن این قصه‌ها وارد دنیای پر رمز و رازی می‌شوید، که در آن همواره زیبایی و عشق، در مقابل زشتی و پلیدی قرار می‌گیرد و در آخر شیشه عمر دیو سیاهی بادر خشش شمشیر مردان پاکدل می‌شکند و عشق و برابری همچون چشمه‌ای زلال در کویر تفتیده جان‌های تشنه جاری می‌شود، در جهان زیبایی افسانه‌های ایرانی مردان شجاع و عاشق، در کنار زنان زیرک و مهربان بر پلیدی و سیاهی غلبه می‌کنند. نیاکان ما که در گذر زندگی شفت بار خویش همواره از تفاوت‌های طبقاتی و تبعیض و تحقیر رنج می‌بردند در دنیای تخیل، مرز بین فقر و غنا را می‌شکنند. پادشاهی مقتدر را در لباس درویشی فقیر، هم نشانی خراب، نیشینان می‌کنند و دهقان زاده‌ای بی‌چیز را به پادشاهی می‌رسانند و ثروت و قدرت، انوسا، ظلم و تفاخر، که عامل اجرای عدالت می‌کنند.

امیدوارم شما هم رو به روی چنین عالم خلاق و شگفتی احساس لذت و مسرت کنید و حاصل تلاش من موجب رضایت خاطر تان شود.

سخنی با والدین: پدر و مادر، اما در روزگاری که فرزندان مادر محاصره سرگرمی‌های کامپیوتری، فیلم‌های مسخره‌آمیز، بازی‌های رنگارنگ، هر روز از مادر دورتر می‌شوند، روایت قصه‌ای قدیمی، از نسل‌ها به نسل‌ها می‌تواند برای لحظاتی کوتاه فاصله‌ها را بشکند. نسل‌ها را به هم پیوندد و مهر و الفتی در قلب‌ها ایجاد کند. هیچ تفریح و سرگرمی نمی‌تواند جایگزین این لذت‌ها و یادها و ماندگار شود. همانگونه که من هرگز قصه گوی پیر و تنهای دوران کودکی‌ام را فراموش نمی‌کنم. نام او «عالم تاج» بود. اما همه اهل روستای شادگان، او را «تنه علم» صدا می‌کردند. در آن محله، من برخی از قصه‌های «تنه علم» را با تغییراتی جزئی بازنویسی کرده‌ام. من برخی از آنها را تنها بر پایه الهام از تصاویری که از قصه‌ها در ذهن داشتم، و عمدتاً به یاری تخیل خود، نگاشته‌ام. البته با استفاده از مصالح مرسوم قصه‌های قدیمی و با همان حال و هوای خاص! امیدوارم شما نیز همپای فرزندانان قدم به دنیای شاد افسانه‌ها بگذارید و از خواندن آن‌ها لذت ببرید و با بازگو کردن این قصه‌ها برای عزیزانتان این لذت را مضاعف کنید. چرا که این قصه‌ها را نیاکان ما برای شب نشینی‌های گرد کرسی زمستان و برای تمام سنین خلق کرده‌اند.